

آموزش مهارت‌های اجتماعی در کلیله و دمنه (با تکیه بر همکاری، همدلی، مسئولیت‌پذیری و خویشتن‌داری)

نزهت نوحی

استادیار زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه زنجان

زهرا عسکری

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی شاغل در دانشگاه فرهنگیان پردیس الزهرا (س) زنجان

فرهاد مرادی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی - کارشناس پژوهشی، دانشگاه فرهنگیان - پردیس الزهرا (س) زنجان

چکیده:

آثار ادبی تعلیمی منبع ارزشمندی برای کسب مهارت‌های مختلف هستند. کارکرد تعلیمی این آثار در بسیاری از مواقع از رهگذر مناسبات ادبیات با علوم دیگر به دست می‌آید. از آنجاکه یکی از نیازهای ضروری بشر امروز به‌ویژه کودکان داشتن مهارت‌های فردی و اجتماعی است، می‌توان از این کارکرد ادبیات برای دستیابی به این مهم بهره جست. این مقاله با رویکرد میان‌رشته‌ای با استفاده از روش تحقیق تحلیلی - توصیفی به واکاوی اثر ارزشمند کلیله و دمنه پرداخته و این اثر را از بعد قابلیت آموزش مهارت‌های اجتماعی با محوریت (همکاری، همدلی، مسئولیت‌پذیری و خویشتن‌داری) مورد بررسی قرار داده است. مسئله اصلی این مقاله آن است که مهارت‌های اجتماعی موجود در کلیله و دمنه را ردیابی کرده و گزارش کند. در این مطالعه ابتدا ماهیت مهارت‌های اجتماعی و ضرورت آموزش آن‌ها بررسی شد و سپس حکایت‌های کلیله و دمنه از نظر آموزش این مهارت‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. این مطالعات به این نتیجه دست یافت که در تعداد محدودی از حکایت‌های کلیله و دمنه قابلیت آموزش این مهارت‌ها وجود دارد.

www.anjomanfarsi.ir

واژگان کلیدی:

مهارت‌های اجتماعی، کلیله و دمنه، ادبیات تعلیمی

مقدمه:

در فرهنگ ادبیات فارسی در تعریف ادبیات تعلیمی آمده است: «ادبیات تعلیمی گونه‌ای از ادبیات است که هدف آن تعلیم و آموزش در هر زمینه‌ای است - اعم از دینی، اخلاقی، حکمی، سیاسی، اجتماعی، علمی، فنون و حرف. تمامی پندنامه‌ها و اغلب حکایت‌ها در این مقوله می‌گنجد. این نوع ادبیات گاه با عناوین دیگری چون ادبیات آموزشی یا ادبیات آموزنده یا ادبیات پندآموز خوانده شده است.» (شریفی، ۱۳۸۰: ۲۰) یکی از آثار ارزشمند تعلیمی و تمثیلی

ماندگار ایرانی و از سرچشمه‌های ملی ادبیات تعلیمی فارسی کتاب کلیله و دمنه است که از هند به ایران راه یافت و به زبان فارسی پهلوی برگردانده شد. این کتاب از کتب اخلاقی و تعلیمی است که مسائل و حکایت‌های پندآموز آن در قالب ادبیات تمثیلی بیان شده است. «با نگاهی عمیق به حکایات کتاب درمی‌یابیم که تعالیم موجود در آن حول مسائل سیاسی، حکومتی، اخلاقی، اجتماعی، عقلانیت و خردورزی، جبر و اختیار، پرهیز از حرص و آز، دوری از تمایلات نفسانی، نکوهش روزگار و غیره هست. درزمینه‌ی مسائل اخلاقی نیز، کتاب کلیله و دمنه گنجینه‌ای از دانش و حکمت است و به قول نصر اله منشی، بنای ابواب آن بر حکمت و موعظت است. کتابی که کان خرد و تجربت بوده و نکات اخلاقی بسیاری در آن به چشم می‌خورد.» (سجادی و پزشکی، ۱۳۹۳: ۸)

حکایت‌های کلیله و دمنه که از زبان حیوانات به صورت داستان و یا تمثیل‌های کوتاه و بلند نقل شده، بستر مناسبی است جهت آموزش مهارت‌های اجتماعی مختلف به مخاطبان خود.

یکی از شیوه‌های آموزش که همواره مورد توجه و تأیید علما و علاقه‌مندان تعلیم و تربیت بوده آموزش از طریق قصه‌گویی است. آموزش و یادگیری به‌ویژه در قالب داستان از مهم‌ترین کارکردهای ادبیات و فن‌های راهبردی مؤثر است. قصه‌گویی به عنوان یک ابزار مطمئن و مؤثر جهت آموزش مهارت‌ها است و در خدمت آموزش و پرورش کودکان عمل می‌کند... (پائولو کوئیلو، ۱۳۸۱ به نقل از صاحبی در کتاب قصه درمانی، ۱۳۹۳: ۲۰)

بر همین اساس قصه‌گویی در نظام آموزشی با برنامه‌ریزی‌های صحیح و اصولی و استفاده از منابع غنی ادبیات فارسی مانند کلیله و دمنه که همواره در حوزه ادبیات تعلیمی مورد تأکید بسیاری از اندیشمندان قرار داشته و دارد، می‌تواند در جهت آموزش بهتر کودکان این مرزوبوم گام بردارد.

«از آنجاکه شاهکارهای ادبی قابلیت تفسیر و تأویل‌پذیری دارند و هنر در تحلیل نهایی با تحول و تکامل بشر مربوط می‌شود و پژوهندگان جوهر و جنبه‌های اجتماعی آثار ادبی، جنبه‌های خاص و دریافت‌های ویژه‌ی خود را از اثر، متناسب با فرهنگ و نیاز زمان روشن می‌سازند» (تقی زاده، ۱۳۸۹: ۵) دریافت کارکرد آموزشی کتاب کلیله و دمنه از جنبه‌ی آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان قابل انکار نخواهد بود.

با توجه به کارکرد تلفیقی ادبیات، ادبیات تعلیمی می‌تواند در راستای آموزش مهارت‌های اجتماعی و در قالب حکایت‌ها و داستان‌ها که از پرکاربردترین و پرشنونده‌ترین انواع ادبی هستند بهره‌گیرد. به‌ویژه حکایت‌های حیوانات که از قدیمی‌ترین انواع ادب هستند و در تمام فرهنگ‌ها و زبان‌ها این شیوه داستان‌پردازی با اهداف مختلف تعلیمی و انتقادی با توجه به شرایط و اوضاع اجتماعی و سیاسی و فرهنگی به کار گرفته شده‌اند، می‌توان مهارت‌های مختلف اجتماعی و بسیاری از اصول تربیتی را به کودکان آموزش داد.

از آنجاکه در «حکایت‌های کلیله و دمنه محور اصلی حکایت‌های آن منحصر در تعلیم و درس‌های اخلاقی می‌شود و در حقیقت از آن‌ها همچون شیوه‌ای خاص در بیان و برای آموختن موضوعات و اصول اخلاقی استفاده شده است.» (تقوی، ۱۳۷۵: ۱۳۵) می‌توان از این حکایت‌ها برای تبیین و تأکید بر نکات اخلاقی و آموزنده آموزش بهتر مهارت‌های اجتماعی به کودکان در قالب قصه و داستان استفاده کرد.

«شنیدن داستان‌ها می‌تواند روابط را به وجود آورد، ایده‌ها را به چالش بکشد، مدل‌هایی برای رفتار آینده تدارک ببیند و فهم و ادراک را افزایش دهد. اگر زندگی و داستان‌ها به صورت دوجانبه همدیگر را می‌پذیرند، پس سازگاری آن‌ها در قالب مشاوره و درمان، امتداد عملی و منطقی یک واسطه محقق و مؤثر از ارتباط است. از داستان می‌توان به‌عنوان یک ابزار تشخیص، شیوه‌ای برای بازپروری و رویکردی نو و اثرگذار برای ایجاد تغییر و درمان استفاده کرد.» (قدسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۶)

از این رو «متخصصان تعلیم و تربیت درباره‌ی محیط یا روش‌ها و وسایل تربیت غیرمستقیم بیشتر به مطالعه پرداخته‌اند و مربیان را عموماً به آماده ساختن محیط مساعد و مناسب غیرمستقیم ترغیب می‌کنند. از جمله وسایل آموزش غیرمستقیم، ادبیات کودکان است که امروز بیش از هر زمان دیگر مورد توجه مربیان است. از روزی که تربیت در زندگی آدمی مطرح شده است، ادبیات کودکان و نوجوانان نیز همراه آن مطرح بوده است و منظور از آن عمدتاً قصه‌ها و افسانه‌ها و احیاناً شعر و مثل بوده‌اند.» (شعاری نژاد، ۱۳۸۱: ۷۱)

«در جامعه کنونی که کودکان ما در معرض بارش اطلاعاتی شدید قرار دارند، اکثر داستان‌های نگارش یافته در کتب کودکان و یا حتی در نرم‌افزارهای موجود، بر فرهنگ غرب تکیه دارد. به نظر می‌رسد اهمیت به منبع غنی درون فرهنگی همچون کلیله و دمنه می‌تواند جایگزین مناسبی برای تغییر افکار، باورها و نگرش کودکان، باشد.» (قدسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۳۶) «این کتاب پرمغز و بی‌نظیر که متضمن روش خردمندانه‌ی زندگی و درس تدبیر و حکمت بوده و به قصد بیدار ساختن وجدان جوانان در جهان سی‌سَر کرده است، در میان ما قدرش مجهول مانده است و کمتر ارزش آن را شناخته‌ایم.» (یوسفی، ۱۳۷۲: ۱۴۶)

مسئله‌ی اصلی این مقاله آن است که آیا در حکایت‌های کلیله و دمنه داستان‌هایی وجود دارد که از رهگذر آن بتوان مهارت‌های اجتماعی را به کودکان آموزش داد و از ادبیات گذشته در توسعه‌ی اجتماعی، فکری و فرهنگی افراد جامعه‌ی امروز به‌ویژه کودکان استفاده کرد؟

به بیان دیگر این مقاله درصدد یافتن نگرش اجتماعی در کتاب کلیله و دمنه و راهبردهایی برای برقراری ارتباط اجتماعی مؤثر افراد با پرورش مهارت‌های مسئولیت‌پذیری، خویش‌تن‌داری، همکاری و همدلی است.

مقاله حاضر با توجه به ضرورت موضوع به واکاوی پیوند میان داستان‌های کلیله و دمنه در حوزه‌ی ادبیات تعلیمی و آموزش مهارت‌های اجتماعی در بستر این حکایت‌ها در حوزه‌ی علوم اجتماعی می‌پردازد. تحولات وسیع اجتماعی و بروز مشکلات سازگاری اجتماعی، رفتاری و عاطفی ایجاب می‌کند که آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌عنوان یکی از ابعاد جدید آموزش و پرورش همگانی و از اهداف مهم تعلیم و تربیت در برنامه‌های درسی با استفاده از منابع غنی فرهنگ و ادب فارسی، گنجانده شود. یادگیری مهارت‌های اجتماعی موجب شکوفایی ظرفیت‌ها، رشد توانایی‌ها، و به‌طور کلی سعادت فردی و اجتماعی افراد می‌شود آموزش این مهارت‌ها افراد جامعه را برای غلبه بر تنش‌ها و مشکلاتی که در جامعه در نتیجه‌ی عدم داشتن مهارت‌های اجتماعی گریبان گیر افراد می‌شود آماده می‌کند. در این میان سؤالاتی مطرح می‌شود که مقاله حاضر می‌خواهد به آن‌ها پاسخ دهد آیا در داستان‌های کلیله و دمنه حکایت‌هایی وجود دارد که از طریق

بازخوانی آن‌ها بتوان مهارت‌های اجتماعی با تأکید بر چهار (مهارت همدلی، همکاری، خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری) را به کودکان آموزش داد؟ دیگر این‌که ماهیت مهارت‌های اجتماعی چیست و آموزش این مهارت‌ها به‌ویژه (مهارت‌های همدلی، همکاری، خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری) چه تأثیری در روند اجتماعی شدن کودکان دارد؟ برای پاسخ‌گویی به سوالات فرضیه‌هایی در این باره مطرح گردید

فرض اول در کتاب کلیله و دمنه داستان‌ها و حکایت‌هایی وجود دارد که از رهگذر آن آموزش مهارت‌های اجتماعی تسهیل می‌گردد.

فرض دوم آموزش مهارت‌های اجتماعی از رهگذر داستان‌ها و حکایت‌های کلیله و دمنه جنبه‌ی جهان‌شمولی داشته و ارزش‌های مشترک انسانی را در برمی‌گیرد.

با توجه به فرضیات پیش رو برای رسیدن به نتیجه مطلوب گردآوری اطلاعات در این مقاله به صورت تحلیلی و توصیفی انجام گرفته و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است تمام اطلاعات لازم از طریق مطالعه‌ی منابع، کتب و مقالات مرتبط به دست آمده است. منبع اصلی کتاب کلیله و دمنه و نیز کتاب‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بوده است. اطلاعات مورد نیاز در زمینه‌ی مهارت‌های اجتماعی از کتبی که در این زمینه توسط اندیشمندان و روانشناسان نوشته شده استخراج، طبقه‌بندی و مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین از مقالاتی که در سایت‌های معتبر دارای ارزش علمی بوده‌اند استفاده شده است. مهم‌ترین ابزار گردآوری اطلاعات برگه‌های پژوهش یا فیش‌برداری بوده است.

پیشینه پژوهش:

در حوزه‌ی ادبیات تعلیمی و آموزش مهارت‌های اجتماعی پژوهش‌هایی که تا کنون در این زمینه انجام شده، مورد بررسی قرار گرفت. «آداب و مهارت‌های زندگی در مرزبان‌نامه» پایان‌نامه‌ای است که توسط خانم زهرا یادگاری در سال ۱۳۹۲ انجام شده و به بررسی مهارت‌های عمومی زندگی پرداخته است. در سال تحصیلی ۸۷-۸۶ «بررسی تأثیر قصه‌گویی بر آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان ۶ ساله‌ی پسر شهر کاشان»، را آقایان جعفری مفرد و طاهری در سال ۱۳۸۵ به پایان برده و بیشتر در حوزه علوم اجتماعی در آن بحث شده است. پژوهشی دیگر در قالب پایان‌نامه که از لحاظ مفهومی به این پژوهش نزدیک است را خانم مهدیه بهبهانی در سال ۱۳۸۴ برای دانشگاه آزاد با موضوع «بررسی اجتماعیات در کلیله و دمنه» انجام داده‌اند.

قابل ذکر است، منبع اصلی تمام پژوهش‌های انجام شده در این مورد تاکنون کتاب «آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان» ((تألیف جی. کارتلج. جی. اف. میلبرن))^۱ ترجمه‌ی محمدحسین نظری نژاد در رابطه با پژوهش‌های انجام شده بوده است. در زمینه‌ی آثار تعلیمی و حکایت‌های حیوانات کتاب «بررسی حکایت‌های حیوانات (قابل‌ها) تا قرن دهم» با نگارش دکتر محمد تقوی منبع ارزشمندی در این پژوهش بوده است. در این کتاب تقریباً تمام حکایت‌های حیوانات که تا قرن دهم در مجموعه‌های داستانی و تعلیمی آمده‌اند مورد بررسی قرار گرفته است. در این بررسی ابتدا خلاصه‌ای از حکایت (و در مواردی که حکایت کوتاه است خود آن) آورده شده و سپس

برداشت نویسنده (مضمون اصلی) و بر نما یا بر نماهای حکایت (مضمون یا مضامین فرعی و غیرمستقیم) بیان شده سپس مناسبت حکایت با مضمون و ترکیب کلی و ترتیب حوادث (ریخت‌شناسی حکایت‌ها) آورده شده است. با پژوهش‌های به عمل آمده به اثری که به طور مستقیم به مبحث آموزش مهارت‌های اجتماعی در کلیله و دمنه پرداخته باشد برخورد نکردیم.

شناخت مهارت‌های اجتماعی

داشتن مهارت‌های اجتماعی از ضرورت‌های اساسی زندگی امروز است. زندگی سالم و موفق نیاز به آموزش مهارت‌های فردی و اجتماعی دارد. افراد جامعه به‌ویژه کودکان و نوجوانان برای مواجه شدن با اتفاقات گوناگون و داشتن عکس‌العمل مناسب در برابر این اتفاقات نیاز به فراگیری مهارت‌های اجتماعی دارند. «کسب مهارت‌های اجتماعی کودکان بخشی از اجتماعی شدن آن‌هاست. در فرایند اجتماعی شدن هنجارها، مهارت‌ها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتار فرد شکل می‌گیرد تا به نحو مناسب و مطلوبی نقش کنونی یا آتی خود را در جامعه ایفا کند. خانواده و نهادهای اجتماعی دیگر مانند مدرسه مهم‌ترین عامل اجتماعی شدن به شمار می‌آیند که در قالب ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بررسی می‌شوند.» (جی.میلبرن، ۱۳۷۵)

«سازمان جهانی بهداشت^{□□} (۱۳۷۷) این مسئله را عنوان می‌کند که انسان‌ها برای مقابله‌ی سازگاران با موقعیت‌های متفاوت و کشمکش‌های زندگی به کارکردهایی نیاز دارند که آنان را در کسب این توانایی تجهیز نماید. به همین دلیل آموزش مهارت‌های زندگی برای سازگار کردن بهتر و مؤثرتر افراد با چالش‌ها و مسائل زندگی اخیراً به شدت مورد توجه نظام‌های تعلیم و تربیت در سراسر دنیا قرار گرفته است» (فتحی و اجارگاه و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۹۶)

تعریف مهارت‌های اجتماعی

«یکی از مباحث اصلی در ارتباط با رفتار اجتماعی کودکان چگونگی تعریف مناسب از مهارت‌های اجتماعی است. درباره‌ی این که مهارت‌های اجتماعی واقعاً چه نوع مهارت‌هایی هستند و چگونه باید آن‌ها را تعریف کرد تا حدی ابهام وجود دارد. علت عمده‌ی این ابهام آن است که گروه‌های حرفه‌ای گوناگون مانند (مددکاری اجتماعی، تعلیم و تربیت، روانشناسی مدرسه، روانشناسی تحولی و بالینی، روان‌پزشکی و روان‌پرستاری) نسبت به مطالعه‌ی این موضوع علاقه نشان داده و راه‌حل‌هایی برای آن ارائه کرده‌اند. به همین ترتیب افراد حرفه‌ای با جهت‌گیری‌های نظری متعدد نسبت به بررسی این موضوع علاقه‌مند شده‌اند مانند؛ روانشناسان رفتاری نگر، روان‌شناسان تحولی نگر، روان‌شناسان مدرسه، روان‌پزشکان و متخصصان تعلیم و تربیت» (خانزاده، ۱۳۹۲: ۸۴)

پژوهشگران و نظریه‌پردازان علوم تربیتی و اجتماعی تعاریف متعددی از مهارت‌های اجتماعی ارائه داده‌اند که در سطور ذیل به برخی از این تعاریف می‌پردازیم:

«شلونت و مک فال^{□□□} (۱۹۸۵) معتقدند که مهارت‌های اجتماعی، فرایندهای مؤلفه‌ای مشخصی هستند

که فرد را قادر می‌سازد به‌گونه‌ای رفتار کند که به‌عنوان فردی شایسته مورد قضاوت دیگران قرار گیرد.

مهارت‌ها توانایی‌های لازم برای انجام رفتارهای هدفمند و موفقیت‌آمیز هستند.» (همان: ۸۷)

- «تعریف دیگری که بارها نقل شده از کومز و اسلبی^{□□} است: توانایی ایجاد ارتباط متقابل با دیگران در زمینه‌ی اجتماعی خاص، به طریقی که در عرف جامعه قابل قبول یا ارزشمند باشد و در عین حال برای شخص سودمند افتد، بهره‌ای دوجانبه داشته باشد یا نخست برای دیگران نافع باشد.» (جی. میلیرن، ۱۳۷۵: ۳۳)
 - «فیلیپس[□] (۱۹۷۸) در مورد مهارت‌های اجتماعی چنین نتیجه می‌گیرد که کسی دارای مهارت اجتماعی است که: با دیگران طوری ارتباط برقرار کند که بتواند به حقوق، الزامات، رضایت خاطر و یا انجام وظایف خود در حد معقولی دست یابد بی‌آنکه حقوق، الزامات، رضایت خاطر یا وظایف دیگران را نادیده بگیرد و در عین حال بتواند در این موارد مبادله‌ای باز و آزاد با دیگران داشته باشد.» (هارجی و دیگران، ۱۳۷۷: ۱۲)
 - «مهارت‌های اجتماعی دسته‌ای از قابلیت‌ها را نشان می‌دهند که تمامی افراد را برای مقابله و سازش با نیازهای روزانه محیط اجتماعی قادر می‌سازد. (گرشام، وان کوک^{□□}، ۲۰۰۶، والکر^{□□□} و همکاران، ۲۰۰۴) هالینگر^{□□□□} (۱۹۸۷) مهارت‌های اجتماعی را عبارت از مهارت‌هایی می‌داند که برای داشتن ارتباط مثبت با دیگران و پذیرش توسط آن‌ها ضروری هستند.» (خانزاده، ۱۳۹۲: ۸۷)
 - «به‌طور کلی مهارت‌های اجتماعی به رفتارهای آموخته‌شده و مقبول جامعه اطلاق می‌شود، رفتارهایی که شخص می‌تواند با دیگران به نحوی ارتباط متقابل برقرار کند که به بروز پاسخ‌های مثبت و پرهیز از پاسخ‌های منفی انجامد.» (جی. میلیرن، ۱۳۷۵: ۳۳)
- «محققان فوق مهارت‌های اجتماعی را به پنج طبقه تقسیم می‌کنند که هر یک به نوبه‌ی خود باعث تسهیل برقراری ارتباط بین افراد و به خصوص کودکان می‌شوند. این تقسیم‌بندی به‌قرار زیر است:
- ۱- همکاری: که رفتارهایی چون کمک به دیگران و شرکت در امور مختلف را شامل می‌شود.
 - ۲- گفتار مناسب: که رفتارهایی از قبیل: تقاضا کردن و پاسخ دادن آشکار را شامل می‌شود.
 - ۳- مسئولیت‌پذیری: که در ارتباط با بزرگسالان و حفظ اموال خود است.
 - ۴- همدلی: که رفتارهایی از قبیل احساس محبت و همدردی را در بر می‌گیرد.
 - ۵- خویشتن‌داری: که شامل رفتارهایی از قبیل صبور بودن و تحمل کردن است.» (اکبری زاده، ۱۳۷۵: ۳۴۳)
- به‌طور کلی مهارت‌های اجتماعی بر اساس رویکردهای متفاوتی توسط پژوهشگران علوم روانشناسی و تربیتی طبقه‌بندی شده است. این پژوهش بر اساس طبقه‌بندی مهارت‌های اجتماعی الیوت و گرشام (۱۹۹۱) که شامل رویکرد بر نوع نارسایی در مهارت‌های اجتماعی است انجام شده است.
- «الیوت و گرشام سه نوع نارسایی را در مهارت‌های اجتماعی توصیف کرده‌اند که عبارت‌اند از:
- ۱- نوع اول نارسایی در اکتساب نام دارد که شامل فقدان مهارت‌های اجتماعی خاص است؛ یعنی مهارت موردنظر در خزانه‌ی رفتاری کودک وجود ندارد.
 - ۲- نوع دوم نارسایی در عملکرد است یعنی کودک به‌رغم برخورداری از مهارت اجتماعی موردنظر در خزانه‌ی رفتاری خود در نشان دادن رفتار مطلوب شکست می‌خورد.

۳-نوع سوم نارسایی درروانی که طی آن فرد از مهارت کسب‌شده به شیوه‌ی ناشیانه‌ای استفاده می‌کند. در راهنمای مهارت‌های اجتماعی الیوت و گرشام^{□□} (۱۹۹۱) مقوله‌های زیر را درآموزش نظام‌مند این مهارت‌ها مدنظر قرار داده‌اند.

-همکاری: کمک کردن به دیگران، تسهیم کردن مواد، اطاعت از قوانین و توجه کردن

-جرئت ورزی: تقاضای اطلاعات، معرفی کردن خود و پاسخ دهی به دیگران

-مسئولیت‌پذیری: پاسخگو بودن، اجازه خواستن، تقاضای کمک

-همدلی: درک احساسات، ارائه‌ی تعریف و تمجید و گوش دادن فعال

-خود مهار گری: رویارویی با تعارضات، مدیریت شوخی کردن، انتقاد و خشم» (خانزاده: ۱۳۹۲؛ ۳۰۶)

از تعاریف متعدد پژوهشگران این نتیجه برداشت می‌شود که مهارت‌های اجتماعی شامل مجموعه‌ای از رفتارهای اجتماعی هدفمند هستند که افراد جامعه را برای داشتن ارتباط متقابل با دیگران و رسیدن به آرامش تعادل در زندگی فردی اجتماعی و داشتن برخورد مناسب در صورت مواجه شدن با مشکلات و چالش‌های زندگی توانمند می‌سازد

ضرورت آموزش مهارت‌های اجتماعی

«انسان موجودی است که برای رفع نیازهای عاطفی، اجتماعی و بیولوژیکی خود به تعامل با دیگران محتاج است. ناتوانی در برقراری ارتباط و محبت ورزیدن باعث می‌شود که زندگی بی‌رنگ شده و رفته‌رفته گرمی و معناداری و روابط اجتماعی از آن رخت بریندد. وضع نامطلوب بسیاری از بیماران روانی، ناشی از مشکلات آن‌ها در انطباق با چالش‌های زندگی روزمره است که ریشه در ناتوانی آنان برای بیان مؤثر خویش به اعضای خانواده، دوستان و همکاران و سایر افراد در موقعیت‌های اجتماعی دارد. ناتوانی در بیان احساسات و روابط رضایت‌بخش با دیگران به بهای گرانی تمام می‌شود و کمبود مهارت‌های اجتماعی، ظرفیت افراد را برای مراقبت از خودشان و سازگاری با فشارهای روزانه محدود کرده آنان را آسیب‌پذیر می‌کند. این در حالی است که مهارت‌های اجتماعی به افراد اجازه می‌دهد تا علایق خود را دنبال کنند، در فرصت‌های زندگی پیشرفت کنند و با پاداشی که زندگی به آنان می‌دهد عاطفی تر زیست کنند.» (فتحی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۰۶-۱۷۵) امروزه تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی، تغییر ساختار خانواده، وجود شبکه‌ی گسترده و پیچیده‌ی ارتباطات انسانی و تنوع و گستردگی و هجوم منابع اطلاعاتی انسان‌ها را با چالش‌ها، مشکلات، استرس‌ها و فشارهای متعددی روبرو ساخته است که آموزش مهارت‌های اجتماعی موردنیاز زندگی برای مقابله‌ی مؤثر و کارآمد با مشکلات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و در دهه‌های اخیر بسیار موردتوجه قرار گرفته است. از آنجاکه بهترین دوران برای یادگیری مهارت‌های اجتماعی دوران مدرسه است، پژوهشگران آموزش این مهارت‌ها را در دوران مدرسه اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. «ضرورت دستیابی همه‌ی دانش‌آموزان به زنجیره‌ای از مهارت‌های اجتماعی در سنین مختلف تحول بر کسی پوشیده نیست. در عصری که فرزندان ما با انفجار دانش و اطلاعات و دسترسی به شبکه‌های مختلف ارتباطی رویاروی هستند نقش خانواده در اجتماعی کردن فرزندان با افزایش یافتن سن کودک و ورود به جمع همسالان و محیط‌های دیگر کم‌رنگ‌تر از گذشته شده است. هرچند که والدین همچنان اولین خشت‌های تحول اجتماعی کودکان را چه از لحاظ انتقال خصیصه‌های سرشتی (مانند مزاج) و چه از نظر الگو قرار دادن رفتارهای خویش و شیوه‌های فرزند

پروری بنا می‌کنند. باین‌حال حتی قبل از ورود کودک به جمع همسالان و محیط‌های خارج از خانواده، نقش رسانه‌هایی مانند تلویزیون و ماهواره به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر روند اجتماعی کردن کودک غیرقابل‌انکار است.» (خانزاده، ۱۳۹۲: ۱۹) «آموزش مهارت‌های اجتماعی روشی برای بهبود مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان است. آموزش مهارت‌های اجتماعی بر پایه‌ی این اصل قرار دارد که مشکلات کودکان در مهارت‌های اجتماعی غالباً به این دلیل ایجاد می‌شود که کودکان نمی‌دانند در موقعیت‌های اجتماعی چه‌کار کنند و می‌توان کودکان را برای غلبه بر این مشکلات آموزش داد. به همین دلیل این روش مستلزم آموزش مستقیم مهارت‌های اجتماعی ضروری است.» (دانیل، ۱۳۸۴: ۱۳۵)

مهارت‌های اجتماعی علاوه بر کمک به سازش یافتگی افراد و داشتن روابط بهتر فردی و اجتماعی و نیز ارائه‌ی عملکرد مناسب در موقعیت‌های معین، در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان نیز به‌عنوان عامل مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در پیشرفت یا عدم پیشرفت آن‌ها محسوب می‌شود. «روابط اجتماعی به‌عنوان محور اصلی زندگی انسان‌هاست. کسب و حفظ مهارت‌های اجتماعی در سازش یافتگی روان‌شناختی فرد در طول زندگی بسیار مهم است. سازش یافتگی افراد در محیط‌های مختلف به مهارت‌های خاصی نیاز دارند. مهارت‌های اجتماعی مناسب نوجوانان را قادر می‌سازند تا روابط مثبت مناسبی را با همسالان داشته باشند و در محیط‌های مختلف مانند مدرسه و محیط کار موفق باشند» (خانزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۰)

«نوجوانانی که دارای مهارت‌های اجتماعی قوی هستند با احتمال بیشتری توسط همسالان پذیرفته می‌شوند دوستی‌ها را گسترش می‌دهند روابط قوی‌تری را با همسالان و والدین دارند و علاقه‌مندی بیشتری را در مدرسه نشان می‌دهند و عملکرد بهتری از لحاظ تحصیلی خواهند داشت. فقدان مهارت‌های اجتماعی می‌تواند از دو مسیر موجب اختلال‌های روان‌شناختی گردند. در مسیر اول فقدان قابلیت‌های اجتماعی می‌تواند به طرد و گوشه‌گیری اجتماعی فرد و در نهایت به آشفتگی روان‌شناختی منجر گردد. در مسیر دوم آشفتگی روان‌شناختی ممکن است به دامنه‌ی وسیعی از مشکلات مانند بی‌کفایتی اجتماعی منجر گردد؛ و در نتیجه طرد و گوشه‌گیری اجتماعی به تنیدگی کلی فرد اضافه شود.» (همان: ۱۱۱)

به‌طورکلی آموزش مهارت‌های اجتماعی بنا به دلایل زیر از ضروریات زندگی است:

- ۱- آموزش مهارت‌های اجتماعی باعث عدم آسیب‌پذیری افراد جامعه در برابر فشارهای متعدد زندگی می‌شود.
- ۲- آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب توانمندی افراد جامعه در بیان احساسات و داشتن روابط اجتماعی سالم و رضایت‌بخش با دیگران می‌شود.
- ۳- آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب پیشرفت و موفقیت افراد در فرصت‌های زندگی می‌شود.
- ۴- آموزش مهارت‌های اجتماعی موجب پیشرفت عملکرد تحصیلی موفق دانش‌آموزان می‌شود.

مهارت‌های اجتماعی در کلیله‌ودمنه:

با بررسی کامل کتاب کلیله و دمنه و نگرش از جنبه‌ی آموزندگی مهارت‌های اجتماعی به این حکایات، این نتیجه حاصل شد که در دو حکایت مرغابی و لاک‌پشت و کبوتر طوقی مهارت‌های مورد تأکید این پژوهش به‌خوبی نمود یافته و خوانش آن برای کودکان بازخورد تربیتی و آموزشی مفیدی دارد و موجب تقویت و بهبود مهارت‌های اجتماعی همکاری، همدلی و خویش‌داری ایشان می‌شود. که در این گفتار به تحلیل حکایت‌های فوق می‌پردازیم:

حکایت مرغابی و لاک‌پشت

حکایت مرغابی و لاک‌پشت یکی از ۱۴ حکایتی است که در باب شیر و گاو (الا سد و الثور) آمده است. این داستان بر روی خویش‌داری، همکاری و همدلی تأمل می‌کند. خویش‌داری از دیدگاه روانشناسان از مقوله‌ی مهارت‌های مقابله‌ای است. «طبق نظر لازویس و فولکمن^۲ (۱۹۸۴) مهارت‌های مقابله‌ای به تلاش‌ها و توانمندی‌هایی اشاره دارد که برای کنترل و اداره کردن موقعیت‌هایی که به نظر خطرناک و تنش‌زا می‌رسند لازم است» (موسوی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۵)

مدیریت و کنترل احساسات یکی از ضروری‌ترین توانمندی‌های مورد نیاز افراد جامعه است. منظور از مدیریت هیجان‌ها و کنترل احساسات همان خویش‌داری است. خودکنترلی یا خویش‌داری در واقع نوعی مدیریت بر خویش‌داری است. تقویت این مهارت موجب می‌شود که فرد بر خویش‌داری لگام زند و از انحرافات دوری کند. مبارزه با خود در برابر ناملایمات نفسانی، سختی‌ها و مشکلات است که در این داستان عدم تحمل سختی شنیدن حرف مردم باعث بروز یک رفتار نامناسب که عاقبت بدی دارد می‌شود. خودکنترلی در نمایش رفتار مناسب در موقعیت‌ها و شرایط مختلف و دشوار بسیار حیاتی و مهم است و از اشتباهات غیرضروری و نتیجه‌گیری‌های اشتباه و اخذ تصمیمات نامناسب پیشگیری می‌کند. فرصت تصمیم‌گیری درست و کنترل احساسات را فراهم می‌کند. در آیات و روایات اسلامی و کتاب‌های عالمان اخلاق هم توصیه‌ی فراوانی بر کنترل نفس شده است. خداوند حکیم برای سعادت و کمال نفس دستوره‌ای هدایتگری بیان فرموده است. عواقب کنترل کردن یا نکردن نفس دامن‌گیر خود شخص است در سوره‌ی انعام آیه ۱۶۴ فرموده است:

«لا تکسب کل نفس الا علیها و لاتزرو وازره و زر اخری» «هیچ‌کس بار گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد»

همچنین قرآن کریم از خودکنترلی یا خویش‌داری آن به تقوا تعبیر می‌کند و کرامت انسان نزد خداوند بر اساس آن سنجیده می‌شود. بیشترین آیات حکایت‌گر خودکنترلی در قرآن کریم مربوط به قلب و نفس است. این نفس است که باید مراقب اعمال و رفتارش باشد و همواره بر خود مسلط باشد که به خطا نرود. خداوند حکیم برای سعادت و کمال نفس دستوره‌ای هدایتگری بیان فرموده و به اعمالی که سبب تقویت و ضعف خودکنترلی می‌شود اشاره فرموده است. خویش‌داری و کنترل نفس و مراقبت از رفتار و اعمال موجب سعادت دنیوی و اخروی می‌گردد.

در این حکایت نویسنده با نگاهی ریزبین نخست رابطه‌ای مبتنی بر دوستی و محبت را واگرایی و توصیف می‌کند. «گفت: آورده‌اند که در آبیگری دو بط و سنگ‌پشتی، ساکن بودند و به‌حکم مجاورت دوستی و مصادقت داشتند» آنگاه با

استفاده از عناصر صور خیال مشکل ایجادشده را به تصویر می‌کشد. «ناگاه دست غدار روزگار رخسار حال ایشان بخراشید و سپهر آینه فام، صورت مفارقت بدیشان نمود و در آن آب که ما یه‌ی حیات ایشان بود، نقصانی پدید آورد، فاحش» سپس موقعیت تک‌تک شخصیت‌ها را در این رابطه شرح می‌دهد و رابطه متقابل این دوستان را که مبتنی بر نوعی دل‌بستگی است باینانی زیبا تشریح می‌کند. موقعیت لاک‌پشت، به لحاظ محدودیت‌هایی که دارد بیشتر موردنظر است. «بطان چون آن بدیدند، به نزدیک سنگ‌پشت آمدند و گفتند: به وداع آمده‌ایم. بدرود باش ای دوست گرامی و رفیق موافق، سنگ‌پشت از درد فراق بنالید و از چشم بر مثال ابر بسی در و گوهر بارید و گفت: ای دوستان و یاران، نقصان آب را مضرت در حق من بیشتر است که معیشت من بی‌آب ممکن نگردد و اکنون حکم مروت و قضیت کرم عهد آن است که بردن مرا وجهی اندیشید و حیلتی سازید. گفتند: رنج هجران تو ما را بیش است و هرکجا که رویم اگرچه در خصب و نعمت باشیم، بی‌دیدار تو از آنجا تمع و لذت نیابیم، اما تو اشارت مشفقان و قول ناصحان سبک داری و آنچه به مصلحت مال و حال تو پیوندد، بر آن ثبات نکنی و اگر خواهی که تو را ببریم شرط آن است که چون تو را برداشتیم و در اوج هوا رفتیم، چندان که مردمان را چشم بر ما افتد اگر چیزی گویند راه جدل برندی و البته لب نگشایی. سنگ‌پشت گفت: فرمان بردارم و آنچه از روی کرم و مروت، بر شما واجب بود، به‌جای آرید و من می‌پذیرم که دم نزنم و دل در سنگ‌شکنم، ایشان چوبی بیاوردند و سنگ‌پشت میان آن چوب محکم به دندان بگرفت و بطان هر دو جانب چوب را برداشتند و او را می‌بردند چون به اوج هوا رسیدند، مردمان را از ایشان شگفت آمد، از چپ و راست بانگ و آواز برخاست که بطان سنگ‌پشت را می‌برند سنگ‌پشت ساعتی خاموش بود، آخر بی‌طاقت گشت و گفت: تا کور شود هر آن‌که نتواند دید. دهان گشادن همان بود و از بالا درافتادن همان. بطان آواز دادند که بر دوستان نصیحت باشد. سنگ‌پشت گفت: این‌همه سودا است چون طبع اجل را صفرا تیز گرد دو دیوانه‌وار روی به کسی آرد از زنجیر

گسستن فایده حاصل نیاید و مکر و حیلت سود ندارد هیچ عاقل دل در رفع آن ننهد.» (منشی، ۱۳۷۴: ۹۰)

فضایی که نویسنده ترسیم کرده (سنگ‌پشت از درد فراق بنالید و از چشم بر مثال بسی، در و گوهر بارید) موجب انگیزش حس همدلی دوستان (مرغابی‌ها بالاک‌پشت) می‌شود. درک احساس رنج لاک‌پشت باعث انگیزش یک رفتار اجتماعی مطلوب و واکنش عاطفی همدلی و همکاری می‌گردد. نویسنده وقایع را به همراه شخصیت‌پردازی مناسبی که دارد به‌گونه‌ای پیش می‌برد که کاملاً عقلانی و منطقی است. در نتیجه عملکرد لاک‌پشت تأکید بر خویشتن‌داری می‌شود. عدم خویشتن‌داری لاک‌پشت در فرایند داستان همان بلایی را بر سرش می‌آورد که دو مرغابی دوست و همراه او پیش‌بینی کرده بودند. از این‌رو پی‌رنگ داستان به‌واسطه آن‌که درست پیش رفته است در مخاطب تأثیر لازم و مطلوب را می‌گذارد و او را اقناع می‌کند. واقعه‌ای که نویسنده بیان کرده به لحاظ تأثیرگذاری بر مخاطب در راستای آموزش مهارت‌های همکاری و همدلی ارزشمند و مفید تلقی می‌شود.

«یکی از عمده‌ترین و رایج‌ترین راه‌های انتقال تجربه و سرگرمی داستان‌گویی و گوش سپردن به داستان‌ها بوده است و داستان‌ها همیشه منعکس‌کننده‌ی دیدگاه انسان درباره‌ی جهان و عوامل ناشناخته پیرامون او و وسیله‌ای برای انتقال و آموزش آداب و سنن، اعتقادات و تاریخ به نسل‌های دیگر بوده‌اند و در این میان داستان در علم روانشناسی،

روزبه‌روز جایگاه وسیع‌تری را به خود اختصاص می‌دهد. از آنجاکه کودکان نیازمند به شناخت محیط زندگی و چگونگی سازگاری با آن، آموختن رفتارهای اجتماعی پسندیده، داشتن روحیه‌ی همکاری، همدلی و تفاهم با دیگران، شکل‌گیری نگرش‌های مثبت و منفی درباره‌ی خود و محیط پیرامونشان هستند» (قدسی و دیگران، ۱۳۹۱: ۵۸) خوانش داستان‌هایی مانند داستان مرغابی و لاک‌پشت که مهارت‌های همکاری و همدلی و خویش‌داری به زیبایی در آن انعکاس داده شده است، می‌تواند در راستای رسیدن به اهداف فوق مؤثر و مفید واقع شود.

حکایت کبوتر طوقی

« این دومین داستان یا حکایت بلند کتاب کلیله است که پس از داستان شیر و گاو آمده است. در آغاز این حکایت رای از برهن می‌خواهد که داستان دوستان یکدل و چگونگی دوستی و برادری آن‌ها و بهره‌گیری از فواید این دوستی را بازگوید. برهن چنین می‌گوید: « هیچ چیز نزدیک عقلا در موازنه‌ی دوستان مخلص نیاید و در مقابله‌ی یاران یکدل ننشیند که در ایام راحت، معاشرت خوب از ایشان متوقع باشد و در فترات نکبت، مظاهرت به صدق از ایشان منتظر » (منشی، ۱۳۷۴: ۱۱۶) و سپس به نقل حکایت می‌پردازد. این حکایت از جاذبه‌ی خاصی برخوردار است و توصیف‌های بدیع و دل‌انگیزی در آن آمده است. این حکایت داستان رهبری، مشورت، تسلیم، اخلاص، ایثار، هماهنگی، شفقت، همدلی، اتحاد، همکاری و ... است.

«مضمون این حکایت بیشتر در حوزه‌ی اخلاق فردی و اجتماعی قرار می‌گیرد. دوستی و محبت و ثمرات آن و فایده‌ی شفقت بر خلق و همدلی در کارها از نکاتی هستند که بیشتر در امر ارتباط فرد با دیگران مطرح می‌شوند. در اینجا تنها ضدقهرمان صیاد است که سایه‌ی او همه‌جا هست. دیگر قهرمانان (حیوانات) به اقتضای وضع داستان همه مثبت هستند. موش مظهر زیرکی و خلوص، کبوتر مظهر ایثار و خردمندی و رهبریت، آهو و باخه (لاک‌پشت) هم دوستان مخلص. حتی زاغ موجودی صدیق و متعهد به عهد و پیمان است.» (تقوی، ۱۳۷۵: ۲۹۰)

خلاصه داستان به شرح ذیل است:

گروهی کبوتر به رهبری کبوتری به نام طوقی در دام صیاد افتادند. با مشورت و اتحاد دام را از زمین بلند کردند و به‌سوی موشی که دوست طوقی بود به راه افتادند. زاغی آن‌ها را نظاره می‌کرد. به لانه‌ی موش رسیدند و موش بندها را برید و همه آزاد شدند. زاغ که شاهد ماجرا بود بر این دوستی غبطه خورد. نزد موش آمد و اظهار دوستی و هم‌نشینی کرد. موش در آغاز امتناع کرد ولی بعد پذیرفت و هر دو به سرزمین زاغ آمدند و در آنجا باخه را دیدند و ماجرا را بازگفتند. او هم به جمع آن‌ها پیوست. بعد آهوئی را دیدند که از دام صیادی می‌گریخت. با او هم دوست و متحد شدند. روزی آهو در دام افتاد و موش او را نجات داد. بعد باخه گرفتار شد و همگی باتدبیر و اتحاد همگانی او را نیز نجات دادند و به‌این ترتیب با تکیه بر اتحاد و دوستی و همدلی مشکلات را پشت سر گذاشتند.

در این حکایت نویسنده از عنصر تصویرپردازی برای بیان دقیق و قدرتمند اندیشه‌های خود استفاده کرده و تصویر جامعه‌ای را که قهرمانان آنان حیوانات هستند، با استفاده از تشبیهات و استعارات به‌گونه‌ای شگفت‌آور ترسیم کرده

است. در ابتدای حکایت نویسنده با استفاده از تشبیهات زیبا به توصیف دقیق صحنه‌ی داستان می‌پردازد و تصاویری جذاب و بدیع در ذهن مخاطب می‌آفریند.

«آورده‌اند که در ناحیه کشمیر، مرغزاری خوش و نزه بود که از عکس ریاحین او پر زاغ، چون دم طاووس نمودی و در پیش جمال او، دم طاووس به پر زاغ مانستی.

درفشان لاله در وی چون چراغی

ولیک از دود او بر جاننش، داغی

شقایق بر یکی پای ایستاده

چو بر شاخ زمرد، جام باده»

سپس ظاهر و حالت و اعمال شخصیت‌های داستان را توصیف می‌کند. شخصیت‌های این داستان کبوتر طوقی (رهبر) موش (دوست وفادار) زاغ (ناظر ماجرا) (آهو دوست تازه) و صیاد (ضدقهرمان) هستند.

«و در وی شکار بسیار بود و اختلاف صیادان آنجا متواتر، زاغی در حوالی آن بر درختی گشن خانه داشت و روزی نشسته بود و چپ و راست می‌نگریست. ناگاه صیادی را دید دامی بر گردن با جامه درشت عصایی در مشت، روی بدان درخت نهاد. زاغ بترسید و با خود گفت: که این مرد را کاری می‌آرد و نتوان دانست که قصد من دارد یا از آن دیگری؟ من باری جای نگاهدارم تا چه کند، صیاد پیش آمد و دام بازکشید و چینه بینداخت و در کمین نشست، ساعتی بود. فوجی از کبوتران فرارسیدند و مقدم ایشان کبوتری بود که او را مطوقه می‌خواندند و آن کبوتران به متابعت او مباحثات می‌نمودند و در مباحثات و مشایعت او روزگار می‌گذاشتند چندان که دانه بدیدند غافل وار فرود آمدند و جمله در دام بماندند و مطوقه غمگین شد و صیاد شاد گشت و گرازان به تگ ایستاد تا ایشان را در ضبط آورد، کبوتران اضطراب می‌کردند و هر یک در خلاص خویش می‌کوشیدند» (منشی، ۱۳۷۴: ۱۱۷). شخصیت‌های داستان با عمل و گفتار و حالات خود به زیبایی به تصویر کشیده شده‌اند و این امر در بیان و پیشبرد مطلوب درون‌مایه داستان موفق بوده است. درون‌مایه و مضمون این حکایت همکاری و همدلی است که در رفتار و اعمال شخصیت‌های داستان انعکاس یافته است.

«مطوقه گفت یاران را، جای مجادله نیست. چنان باید که همگان استخلاص یاران را مهم‌تر از آن خودشناسید و حالی به صواب آن لایق‌تر که به طریق تعاون، قوتی کنید تا دام را از جای برگیریم که رهایی ما در آن است. کبوتران فرمان‌برداری نمودند و دام را به قوت یکدیگر برکنند و سرخویش گرفتند و صیاد در پی ایشان روان، بر امید آن‌که آخر درمانند و بیفتند» (همان: ۱۱۷) در ادامه، گفتگوی بین کبوتر و یارانش آغازگر روابط شخصیت‌های داستان با یکدیگر و معرفی آن‌ها به مخاطب است.

مخاطب از طریق مرآه و گفتگوهایی که بین شخصیت‌های داستان صورت می‌گیرد، ارزش‌های اخلاقی و رفتاری همچون محبت و مهربانی کردن با دیگران، مسئولیت‌پذیر بودن، اتحاد و همدلی، ایثار و فداکاری را تجربه می‌کند. این ارزش‌ها بر جنبه‌های مثبت انسانی و مثبت فکری مخاطب نسبت به دیگران افزوده و در رشد رفتارهای اجتماعی مطلوب آن‌ها مؤثر است.

بازتاب مهارت اجتماعی همکاری و همدلی و تأثیر آن در جهت رسیدن به یک هدف مشترک در این حکایت بیش از سایر حکایات‌ها مشهود است. از نظر دانشمندان علوم رفتاری همدلی «واکنش‌های عاطفی نسبت به تجارب عاطفی دیگران است» (بیرهوف، ۱۳۸۳ : ۱۷۹)

مهارت همدلی یکی از مهارت‌های اجتماعی است که از دیدگاه اندیشمندان موجب تفاوت انسان‌ها با یکدیگر می‌شود. آموزش این مهارت حیاتی به کودکان با شیوه‌های گوناگون که یکی از آنها از طریق قصه‌گویی و به روش غیرمستقیم است در تعالی ارزش‌های اخلاقی، انسانی و اجتماعی کودک بسیار مؤثر است. از آنجاکه امروزه قصه‌گویی به‌عنوان یک ابزار آموزشی می‌تواند با شیوه‌های غیرمستقیم باعث آموزش و یاددهی رفتارهای اجتماعی مطلوب شود خوانش این حکایت مهارت‌های اجتماعی ذکرشده را بایان شیوا و جذاب قصه‌گویی به کودکان آموزش می‌دهد « یکی از شیوه‌هایی که در آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان بسیار مؤثر بوده است قصه‌گویی است. ایجاد الگویی از رفتار اجتماعی به‌عنوان عامل مؤثر در فرایند آموزش مهارت‌های اجتماعی کودکان بسیار مورداستفاده گرفته است. بر اساس نظریه‌ی بندورا^{۱۱۱} کودک می‌تواند از طریق تجربه‌ی جانشینی با قهرمان داستان همانندسازی نموده، پیامدهای رفتار را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. سپس آن را خود الگوبرداری نموده و به کاربرد.» (آمبروسینی، ۲۰۰۰، ص ۱۴۶). کرنی چکووسکی^{۱۱۲} نویسنده‌ی مشهور روسی معتقد است: هدف از قصه‌گویی، پرورش همدلی و انسان‌دوستی در کودک به هر قیمتی است و حقیقت جز این نیست که کودک وقتی قصه‌ای را می‌شنود امکان برقراری ارتباط با کودکان دیگر را بهتر درک می‌کند و حس درک و همدلی‌اش با دیگران زیادتر می‌شود.» (غلامی داوآبادی، وب‌سایت اختصاصی اطلاع‌رسانی کودک و نوجوان کد خبر ۲۰۱۴۷۰، نمایشگاه خبری کودک و نوجوان، اراک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)

توصیف دقیق وقایعی که پس‌ازاین اتفاق می‌افتد، به داستان جنبه تخیلی بخشیده و با گفتگوی بین افراد شخصیت‌های داستان و اعمال آن‌ها به مخاطب معرفی می‌شوند و وقایع داستان پیش می‌رود و حوادث وارد داستان می‌شوند. تخیل‌برانگیزی و جذابیت این حکایت به دلیل داشتن چندین حادثه (اصلی و فرعی) قابل‌تحسین است. همچنین به خاطر پیرفت مناسب از استحکام و انسجام لازم برخوردار است. سیر حوادث اصلی و فرعی در این داستان به شکل زیر است:

«زاغی در حوالی مرغزار بر درختی بزرگ گشن خانه داشت، نشسته بود چپ و راست را می‌نگریست» (وضعیت پایدار آغازین داستان که امکان دگرگونی را در خود دارد) «ناگاه صیادی درکمین نشست» (حادثه دگرگونی رخ داده) قومی کبوتران رسیدند و مهتر ایشان کبوتری بود که او را مطوقه گفتندی چندان که دانه بدیدند غافل وار فرود آمدند و جمله درافتادند (حادثه) مطوقه گفت جای مجادله نیست، صواب آن باشد که جمله به طریق تعاون قوتی کنید تا دام از جای برگیریم که رهایش ما در آن است» (منشی، ۱۳۷۴: ۱۱۷) آزادی و رهایی کبوتران از دام، وضعیت جدیدی است که محصول رخداد پیشین است و با حادثه‌ی آغازین داستان یکسان نیست. در ادامه داستان حوادث دیگری اتفاق می‌افتد و همین مراحل سه‌گانه رخ می‌دهد.

این حوادث منسجم و روابط منطقی باعث افزایش حس کنجکاوی و تقویت نیروی تفکر و فعالیت ذهنی بیشتر مخاطب می‌شود. پیرنگ این داستان با نتیجه‌گیری پایانی همراه است چون از ویژگی‌های آثار کهن که هدف آن تعلیم و تربیت و بیان مسائل اخلاقی است پیروی می‌کند.

دومین مهارتی که در این حکایت بیان می‌شود مهارت همکاری است. همکاری یکی از جریان‌های اساسی در زندگی آدمی و رکن اساسی زندگی انسانی است. در هر وضع و هر موقعیت، همکاری شرط اصلی زندگی جمعی است. جنبه اجتماعی رشد و آماده کردن بچه‌ها برای به سر بردن با دیگران و همکاری با ایشان مدت‌هاست که مورد توجه دانشمندان علوم تربیتی قرار گرفته است.

اگر همکاری را بنا بر تعریف آگبرن^{□□□□} یکی بودن مساعی دو یا چند شخص برای حصول به هدفی معین بدانیم، این داستان نمایش واقعی این تعریف در قالب داستان است که بازیگران اصلی داستان با تلاش و پشتکار به هدفی معین (رهایی و آزادی از بند صیاد) می‌رسند. مخاطب از این داستان حس همکاری، ارزش و تلاش برای آزادی و همدلی و مهربانی را درک می‌کند. در فرهنگ علوم رفتاری « همکاری^{□□□} : (تشریک‌مساعی) کوشش برای به دست آوردن نتایج یکسان و همانند یا تأمین منافع به‌وسیله‌ی باهم کار کردن » به‌کاررفته است. (شعاری نژاد: ۱۳۶۴؛ ۹۸)

یکی دیگر از آموزه‌های این داستان آموزش مهارت اجتماعی مسئولیت‌پذیری است. «مسئولیت‌پذیری نوعی احساس التزام به عمل در موقعیت‌های گوناگون به دلیل ترید نسبت به سایرین است.» (سبحانی نژاد، ۱۳۷۹: ۲۶) حس مسئولیت‌پذیری طوقی در این قسمت از داستان نمود می‌یابد که موش ابتدا می‌خواهد بند را از پای طوقی ببرد و طوقی مانع این کار می‌شود و می‌گوید: «من ریاست این کبوتران تکفل کرده‌ام و ایشان را از این روی بر من حقی واجب است و چون ایشان حقوق مرا به طاعت و مناصحت بگزارند و به معاونت و مظاهرت ایشان از دست صیاد بجستم مرا نیز از عهده‌ی لوازم ریاست بیرون می‌باید آمد و موجب سیادت را به ادا رسانید.» (منشی: ۱۳۷۴، ۱۸)

طوقی این حق را بر خود واجب می‌بیند که در برابر وظیفه‌ای که برعهده گرفته مسئولیت‌پذیر باشد و تعهد خود را نسبت به دوستانش ادا کند. از ناراحتی آن‌ها رنج می‌برد و برای دوستانش ارزش قائل می‌شود تا آنجا که آزادی دوستان را بر آزادی خود ترجیح می‌دهد. این حس رنج و پریشانی در طوقی به خاطر وجود یک موقعیت ناخوشایند برای دوستان و درواقع همان حس مسئولیت‌پذیری اوست وجود این مهارت باعث می‌شود که فرد به تکلیف خود عمل و مسئولیتش را ایفا نماید و با تأثیر مثبت و بازدهی مناسب شرایط نامطلوب را تبدیل به شرایط مطلوب کند. بیشتر حوادث این حکایت با گرفتار شدن و به دام افتادن شخصیت‌های داستان همراه است و به تبع آن انگیزش حس همکاری و همدلی و ایجاد رفتارهای حمایت‌کننده‌ی آن‌ها نسبت به یکدیگر. در حادثه اول طوقی و دوستانش در دام صیاد و در حادثه دوم آهو در دام صیاد گرفتار می‌شود؛ و در سومین حادثه فریب دادن صیاد و نجات آهو محور اصلی حادثه می‌گردد.

گرفتار شدن طوقی و دوستانش حادثه اصلی و دو مورد دیگر حادثه فرعی تلقی می‌شوند. در اینجا بین هدف راوی از نقل حکایت و مضمون آن رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. هدف آموزش و تعلیم یک پند اخلاقی و تأکید بر همدلی و همکاری دوستان با یکدیگر و تلاش برای حل مشکلات با کمک هم است که در آغاز پایان حکایت آورده شده است: «رای گفت برهن را که: ... اکنون اگر میسر گردد، بازگویی داستان دوستان یکدل و یاران موافق و کیفیت موالات و افتتاح مؤاخات ایشان و استمتاع از ثمرات مخالفت و برخورداری از نتایج مصادقت. برهن گفت: هیچ چیز نزدیک عقلا در موازنه دوستان مخلص نیاید و در مقابله‌ی یاران یکدل ننشیند که در ایام راحت معاشرت خوب، از ایشان متوقع باشد و در فترات نکبت، مظاهرات به صدق از جهت ایشان منتظر» (همان: ۱۱۶)

«موش گفت: اهل دنیا هرگاه محرمی جویند، نفسهای عزیز و جانهای خنجر فدا می‌کنند تا فواید و عوائد آن ایشان را شامل گردد و برکات و میامن آن بر روی روزگار باقی ماند. ایشان دوستان به حق و برادران به صدق باشند و آن طایفه که ملاطفت برای مجازات حال و مراعات وقت، واجب بینند و مصالح کارهای دنیا اندر آن به رعایت رسانند، مانند صیادانند که دانه برای سود خویش افکنند نه برای سیری مرغ و هر که در دوستی کسی جان فدا کند درجت او عالی تر باشد از آن که مال فدا کند.» (همان: ۱۲۱)

نویسنده در این گفتگو دوستی و فواید حاصل از آن را به زیبایی بیان می‌کند و با عباراتی موجز ذهن مخاطب را متوجه نکات ظریف آئین دوست‌یابی و فواید آن می‌نماید.

از مضامین اصلی این حکایت آن است که تعلیمات اخلاقی و شیوه‌راهبردی و تعلیمی آن می‌تواند در جهت آموزش و بهبود مهارت‌های اجتماعی کودکان و آینده‌سازان این سرزمین مؤثر واقع شود.

بحث و بررسی و نتیجه‌گیری:

این پژوهش باهدف بررسی ابعاد تعلیمی حکایت‌های کلیله و دمنه از منظر آموزش مهارت‌های اجتماعی با تأکید بر همکاری، همدلی، خویشتن‌داری و مسئولیت‌پذیری انجام شد. بررسی پیشینه‌ی پژوهش در این زمینه نشان داد که با وجود آنکه کلیله و دمنه اثری است که متضمن مفاهیم ارزنده و مطالب حکیمانه است ولی از منظر آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌طور مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. لذا حکایت‌های آن با رویکرد میان‌رشته‌ای از این بعد مورد بررسی قرار گرفت.

فرضیه این پژوهش بر آن بود که به نظر می‌رسد در کتاب کلیله و دمنه حکایت‌هایی وجود دارد که از رهگذر آن آموزش مهارت‌های اجتماعی تسهیل می‌گردد. در پاسخ به سؤال پژوهش مبنی بر وجود یا عدم وجود حکایت‌هایی که بتوان از طریق بازخوانی آن‌ها مهارت‌های اجتماعی را به کودکان آموزش داد می‌توان گفت داستان‌های کلیله و دمنه به‌کل خالی از چنین امکان و پتانسیلی نیست. اما به دلیل محدودیت حکایات هم‌داستان با مهارت‌های اجتماعی مورد تأکید نگارنده، می‌توان بر آن بود چنین امکان فربهی نیست. با پژوهش و بررسی قابلیت آموزش مهارت‌های اجتماعی در حکایت‌های کلیله و دمنه این نتیجه به دست آمد که اگرچه کلیله و دمنه قابلیت‌های تعلیمی فراوانی دارد و ارزش‌های ادبی و تربیتی و

اخلاقی آن غیرقابل انکار است، ولی با توجه به آن‌که در دوره‌های اخیر به واسطه‌ی توجهات علمی و روان‌شناسانه، تعلیم و آموزش کودکان چارچوب و ساختارهای خاصی پیدا کرده و دگرگونی‌های اجتماعی و خانوادگی در قرن بیستم نگرش تازه‌ای را نسبت به جایگاه کودک در جامعه و آثار ادبی و هنری به وجود آورده است، ساختار بسیاری از حکایت‌های کلیله و دمنه متناسب با دنیای کودکان نیست. درون‌مایه‌ی بسیاری از حکایات کلیله و دمنه درباره‌ی مکر و فواید و مضرات آن، فایده‌ی حزم و زیان ترک آن، زیان اعتماد به دشمن، فایده‌ی قناعت و زیان حرص و طمع، زیان سخن‌چینی و فتنه‌انگیزی و... هست که هیچ‌سختی با افق دید کودک امروز ندارد.

با این حال اگرچه تعلیمات کلیله و دمنه ممکن است از بعد آموزشی به‌ویژه آموزش مهارت‌های اجتماعی مورد تأکید این پژوهش برای کودکان زیاد مناسب نباشد ولی در نهادینه کردن این مهارت‌ها برای بزرگسالان می‌تواند مؤثر واقع شود؛ زیرا غرض از بیان بسیاری از این داستان‌ها تفهیم حکمت به بزرگسالان است. علاوه به این نباید نقش این اثر ارزشمند کهن ادبی را در انتقال تجربیات و ارزش‌های مثبت گذشتگان به نسل جدید، ایجاد و تقویت هویت فردی و ملی و ایجاد حس افتخار به ایران و گذشته‌ی ایران نادیده گرفت.

منابع:

۱. اکبری زاده، علی، (۱۳۷۵) کودکان و مهارت‌های اجتماعی. انتشارات پیوند، شماره (۲۰۸)، تهران، ص ۶۶-۶۲
۲. بیرهوف، هانس ورنر، (۱۳۸۳)، رفتارهای اجتماعی مطلوب از دیدگاه روانشناسی اجتماعی، رضوان صدقی نژاد، چاپ دوم، تهران، انتشارات گل آذین
۳. تقوی، محمد، (۱۳۷۵)، حکایت‌های حیوانات «فابلها» تا قرن دهم، چاپ اول، تهران، انتشارات روزنه
۴. تقی زاده، محمود، (۱۳۸۹) جامعه‌شناسی ادبیات، چاپ اول، تهران، انتشارات سرمدی
۵. حسین خانزاده، عباسعلی، (۱۳۹۲) آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان و نوجوانان، چاپ دوم، تهران، انتشارات رشد فرهنگ
۶. دیویس، آلیسون، (۱۳۹۲) قصه‌گویی در کلاس درس، مینا سلیمی، انتشارات سمت
۷. سبحانی نژاد، مهدی، فردانش، هاشم، (۱۳۷۹) مسئولیت‌پذیری اجتماعی در برنامه درسی کنونی دوره‌ی ابتدایی پژوهشگاه علوم انسانی، پورتال جامع علوم انسانی، مدرس، دوره (۴)، ش ۱، ص ۱۰۹-۹۵
۸. سجادی، فرشته، پزشکی، ناهید سادات، (۱۳۹۳) بازتاب مضامین اخلاقی در کلیله و دمنه بهرام شاهی فصلنامه پژوهش‌های تعلیمی و غنائی زبان و ادب فارسی، بوشهر، دانشگاه آزاد، ش (۲۰)، تابستان، از ص ۱۰۲ تا ۸۳
۹. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۷۵)، فرهنگ علوم رفتاری، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر
۱۰. شعاری نژاد، علی اکبر، (۱۳۸۱) ادبیات کودکان، چاپ بیستم، تهران، اطلاعات
۱۱. صاحبی، علی، (۱۳۹۳) قصه درمانی (گستره تربیتی و درمانی تمثیل)، تهران، انتشارات ارجمند

غلامی داودآبادی، زهرا، (۱۳۹۰) نقش قصه و قصه‌گویی در انتقال و نهادینه کردن ارزش‌ها و مفاهیم تربیتی،
وبسایت اختصاصی اطلاع‌رسانی کودک و نوجوان

۱۲. فتحی و اجارگاه، کورش، عارفی، محبوبه، اسفندیاری، توران (۱۳۸۷) شناسایی و اولویت‌یابی مهارت‌های
زندگی موردنیاز بزرگسالان برای لحاظ کردن در برنامه‌های درسی، **مجله تعلیم و تربیت**، ش، (۹۳) بهار، از ص
۶۹ تا ۱۰۲

۱۳. فتحی، فاطمه و دیگران، (۱۳۸۴) تهیه چک لیست مهارت‌های اجتماعی قابل‌انتقال از دبیران به دانش‌آموزان
مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد ۱۹، شماره (۲)، سال ۱۳۸۴، ص ۱۷۵

۱۴. قدسی، نسیم السادات، شفیع‌آبادی، عبدالله، سودانی، منصور، (۱۳۱) بررسی تأثیر روش داستان‌گویی مبتنی بر
کلیله و دمنه بر بهبود خود پنداره کودکان دختر پایه چهارم ابتدایی، **فصلنامه فرهنگی و تربیتی زنان و خانواده**، ش،
(۱۹)

۱۵. کارتلیج، جی. میلبرن، جی اف، (۱۳۷۵) **آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان**، محمدحسین نظری نژاد،
چاپ سوم، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

۱۶. منشی، نصراله، (۱۳۷۴)، **کلیله و دمنه**، بر اساس طبع استاد عبدالحسین قریب، چاپ اول، تهران، انتشارات
هیرمند

۱۷. موسوی و دیگران، (۱۳۹۰) **مهارت‌های زندگی**، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز آموزش و تحقیقات صنعتی
ایران

۱۸. مویس، دانیل. رینولدز، دیوید، (۱۳۸۴) **آموزش مؤثر**، محمدعلی بشارت، حمید شمس‌پور، تهران، انتشارات
رشد

۱۹. هارجی، اون دیگران، (۱۳۷۷) **مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی**، مهرداد فیروز بخت، خشایار
بیگی، تهران، انتشارات رشد

۲۰. یوسفی، غلامحسین، (۱۳۷۲) **دیداری با اهل قلم**، جلد اول، چاپ چهارم، تهران، انتشارات علمی

ⁱ Kartlej, J. and Mylbern, F. 1990

ⁱⁱ world health organization

ⁱⁱⁱ Shelont & Mac fall

^{iv} Gomez \$ Slaby

^v Philips (1978)

^{vi} Gresham , Bavan & Cook

^{vii} Skin Walker (2004)

^{viii} JD Hollinger(1978)

^{ix} Elliott and Gresham Guide social skills (1991)

^x Lazarus \$ Folkman (1984)

^{xi} Albert Bandura

^{xii} Korney Ivanovich Chukovsky

^{xiii} William G Burn

^{xiv} coordinatio